

مطالعه تطبیقی ارزیابی خسارت لذات یا مطبوعیت زندگی در صدمات بدنی*

حسن بادینی**

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

فاطمه سادات حسینی

دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۳/۴)

چکیده

خسارت مطبوعیت یا از دست دادن لذات زندگی از اجزای مهم خسارات معنوی محسوب می‌شود که دشواری‌های زیادی برای ارزیابی مالی و تقویم به پول دارد. این نوع زیان بر کیفیت زندگی زیان‌دیده از صدمه بدنی متمرکز است و فارغ از بحث درآمد، ثروت و موقعیت اجتماعی به چگونگی بهره‌زیان‌دیده از زندگی و شادی او و فعالیت‌هایی که در این راستا انجام می‌دهد است، نظر دارد. ارزیابی چنین زبانی شاید بیش از سایر اقسام زیان نیازمند توجه به خصوصیات فردی و شرایط شخصی زیان‌دیده است. به هر حال چگونگی ارزیابی این زیان همچون سایر عناوین خسارت‌های معنوی دشوار و با پیچیدگی‌های مربوط به احتمالات آینده همراه است. در مورد ارزیابی خسارت مطبوعیت پیشنهادهایی مثل در نظر گرفتن معادل پولی در ازای شادی اضافه‌شده به زندگی، طبقه‌بندی زیان‌ها به درجات مختلف و قرار دادن مبلغی در ازای آن و تهیه جداول راهنما بر مبنای ویژگی‌های عرفی و شخصی ارائه شده است. در این نوشتار گرایش‌های موجود در ارزیابی و چگونگی محاسبه این زیان مطالعه می‌شود.

واژگان کلیدی

ارزیابی خسارت، از دست دادن لذت زندگی، جداول راهنما، خسارت مطبوعیت، عدالت افقی و عمودی، کیفیت زندگی زیان‌دیده.

* مقاله مستخرج از رساله با عنوان «نحوه ارزیابی خسارت بدنی» می‌باشد.

** نویسنده مسئول

۱. مقدمه

امروزه زیان بدنی را نمی‌توان مثلاً صرف از دست دادن پا یا چشم یا... دانست و مثلاً میزان مشخصی به‌عنوان غرامت از دست دادن اعضا یا کارکردهای آن قرار داد. در حقیقت امروزه زیان بدنی مجموعه‌ای از عناصر مالی و معنوی برای زیان‌دیده و بستگان اوست که هر یک مباحث مفصلی را به خود اختصاص می‌دهد. خسارت از دست دادن مطبوعیت یا لذات زندگی از جمله زیان‌های غیرمالی ناشی از صدمات بدنی و دربردارنده زیان وارد به رضایت از زندگی و لذات آن است که متأثر از ویژگی‌های شخصی زیان‌دیده، وضعیت تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی او و همچنین استانداردهای عمومی جامعه خواهد بود. زیان‌دیده خسارت بدنی مستحق دریافت کامل خسارت است؛ شایان توجه اینکه در خسارت معنوی اصل تسلی خاطر خواهد بود (Dorey, 2014: 2).

جبران خسارت برای عموم زیان‌های معنوی نوعاً به شکل متعارف تعیین می‌شود اما در خصوص خسارت مطبوعیت در نظر گرفتن معیارهای متعارف چندان صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا حقوق به دنبال جبران خسارتی است که به واسطه از دست رفتن لذات زندگی خواهان به بار آمده است و تعیین دقیق این موضوع بدون توجه به معیارهای شخصی ممکن نیست (Dorey, 2014: 3).

جدیت و شدت آسیب به‌تنهایی عامل تعیین‌کننده نیست و ارزیابی چنین خسارتی باید براساس واقعیات صورت بگیرد. هر زیان‌دیده‌ای، تأثیرات صدمه را متفاوت تجربه می‌کند؛ یک خواهان ممکن است در مقابل درد خاصی حساس باشد، درحالی‌که دیگری در مقابل آن بردباری کند. یا ممکن است خواهانی دیرتر از دیگری و بسیار آرام‌تر شروع به بهبود کند. قبل از تحمل صدمه، ممکن است خواهان عادات کم و فعالیت‌های اندکی داشته باشد و در نتیجه کمتر از صدمه متأثر شود، درحالی‌که خواهان دیگر از نواختن موسیقی یا فعالیت خاص ورزشی محروم شود. هر یک از نظام‌های حقوقی در این موارد، به شکلی گسترده یا محدود عمل می‌کنند، لیکن تلاش همه برای جبران است (Sugarman, 2013: 202).

در نظام حقوقی ایران در مورد خسارت از دست دادن لذت‌های زندگی بحث نشده است، اما با توجه به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و سایر مقررات مثل قانون مسئولیت مدنی (اصغری، ۱۳۸۲: ۳۳) جبران خسارات معنوی به‌طور کلی مورد پذیرش است. از آنجا که روش‌های جبران خسارت عبارت‌اند از روش اعاده به وضعیت سابق، جبران مثلی و جبران قیمی و بنابر نظر حقوقدانان این روش‌ها به‌صورت طولی بوده و بر آنها تقدم و تأخر عقلی حاکم است (فصیحی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۲۸)، بنابراین با توجه به اینکه دیه جبران آسیب عضو و منفعت آن است نه آنکه جبران‌کننده خسارت‌های معنوی همچون رنج و ناخشنودی از دست رفتن سلامتی و

زیبایی، درد ناشی از صدمه بدنی، ناتوانی در تفریح، فعالیت بدنی، ورزش یا فعالیت اجتماعی است (بابایی، ۱۳۸۶: ۱۱) و نظر به ماده ۴۵۲ قانون مجازات اسلامی و مقررات قانون مسئولیت مدنی خسارت‌های معنوی ناشی از صدمات بدنی جبران‌پذیرند و ازاین‌رو عامل زیان با پرداخت پول می‌تواند شادی ازدست‌رفته زیان‌دیده را به او برگرداند و او را در حالتی شبیه به سابق قرار دهد (بابایی، ۱۳۸۶: ۹ و ۱۶).

مقاله پیش رو درصدد است نحوه ارزیابی زیان از دست دادن مطبوعیت یا لذات زندگی را مطالعه کند؛ سؤال اساسی نحوه ارزیابی خسارت مطبوعیت و عوامل تأثیرگذار در این ارزیابی است. در واقع با توجه به گرایش‌های جدید حقوق‌دانان در جبران خسارت‌های بدنی و از جمله عناصر خسارات معنوی مثل خسارت مطبوعیت، به‌نظر می‌رسد مشکل اصلی قضات در صدور احکام در این خصوص فقدان معیار اندازه‌گیری و نامشخص بودن نحوه محاسبه آن است. به این منظور در این مقاله درصدد ارائه راهکارهای عملی برای معرفی روش‌های ارزیابی این زیان براساس مطالعه معیارهای موجود در حقوق کامن‌لا هستیم. استفاده از جداول راهنما و قرار دادن حداکثر برای خسارت از مهم‌ترین راهکارهاست.

برای مطالعه جامع این موضوع در گفتار نخست مفهوم ارزیابی این خسارت، در گفتار دوم گرایش‌های نظری مطرح در ارزیابی و در گفتار سوم نحوه ارزیابی بررسی می‌شود.

۲. مفهوم ارزیابی خسارت مطبوعیت یا از دست دادن لذات زندگی

خسارت لذت یا مطبوعیت زندگی، خواه دائمی باشد خواه موقت، رنج متمایزی را ایجاد می‌کند. این خسارت شامل مواردی همچون ناتوانی در راه رفتن، دیدن، بازی فوتبال، تمتعات جنسی یا ازدواج است (عباسلو، ۱۳۹۰: ۲۳۴). شایان توجه آنکه این شکل از خسارت در حقیقت به‌دلیل محرومیت‌هایی که به‌واسطه خسارت بدنی ایجاد می‌کند و سطح کیفیت زندگی و لذت‌های زیان‌دیده را پایین می‌آورد، مطرح می‌شود، بنابراین با مفهوم زیان از دست دادن منفعت اعضا که در برخی موارد در حقوق ما برای آن دیه معین شده است، متفاوت است. چنانکه مثلاً در از دست رفتن منفعت بینایی برای همه افراد فارغ از شرایط شخصی ایشان دیه یکسان معین می‌شود و حال آنکه در خسارت مطبوعیت زیان وارد بر زندگی شخصی هر فرد با توجه به سوابق گذشته و نحوه زندگی او زیان ارزیابی می‌شود.

به نظر کارشناسان اقتصادی زیان‌های مربوط به از دست دادن لذات زندگی براساس معیارهایی همچون استانداردهای محیطی، کیفیت تحصیلات، زمان گذرانده‌شده برای کسب‌وکار، تفریحات متعارف فردی و... قابل محاسبه خواهد بود. در فلسفه جدید اقتصاد حتی مفاهیم شادی و رضایت از زندگی از مفهوم اخلاقی خود فاصله گرفته و مفهومی اقتصادی

قابل تقویم به پول پیدا کرده است (Karns, 1990: 1521). در هر مورد، شرایط شخصی خواهان باید سابقه ارزیابی را تشکیل دهد. اگر مرد جوانی آسیب ببیند که هیچ‌گاه فعالیت ورزشی نداشته، نمی‌تواند به سبب محرومیت از آن طرح دعوا کند. در مقابل یک بازیکن فوتبال می‌تواند چنین ادعایی داشته باشد (Munkman, 1973: 202).

سطح درآمد فرد پیش از صدمه به خودی‌خود اهمیتی در میزان این نوع زیان ندارد. در ارزیابی این زیان مسئله مهم، میزان لذتی است که شخص از زندگی می‌برده و رضایتی که داشته است؛ بنابراین ممکن است میزان غرامت دو نفر با درآمد و صدمه مشابه متفاوت باشد یا میزان خسارت شخص با درآمد کمتر در مورد زیان مطبوعیت بیش از زیان شخصی با درآمد بیشتر ارزیابی شود. با این حال سطح ثروت، قدرت و پرستیژ اجتماعی افراد به میزان اثری که در ایجاد لذت برای زیان‌دیده داشته است، مؤثر خواهد بود. برای مثال ممکن است بودن فرد در کنار خانواده چنان لذتی برایش به وجود آورد که داشتن شغلی مهم یا پردرآمد این‌گونه نباشد. بنابراین حتی ممکن است حدوث ناتوانی‌های عمده نتواند برخی از این شادی‌ها را از بین ببرد، در حالی که درد بسیاری به همراه دارد. نکته شایان توجه آنکه با توجه به واکنش‌های متفاوت افراد در وقایع همسان، در ارزیابی واکنشی که با توجه به ویژگی‌های فردی متعارف است، ملاک قرار می‌گیرد و خواهان نمی‌تواند با رها کردن شرایط و عدم تلاش برای بهبود اوضاع همه خسارت را طلب کند، بلکه موظف به کاستن از دشواری شرایط است (Bornsteen, 2008: 1528).

حقوق انگلیس برای محاسبه خسارت از دست دادن مطبوعیت و لذت، نگرشی انتزاعی دارد. این گرایش عینی است و با حقوق اموال شباهت دارد. زندگی خواهان، استعدادها، ظرفیت و توانایی برای زندگی و لذت بردن از آن هم دارایی‌های شخصی ارزشمند محسوب می‌شوند، همانند خانه یا سهام. محروم کردن او از یکی یا چند مورد از این دارایی، محروم کردن او از حق مالکیتش است. هر دارایی حاوی ارزش عینی است که در صورت خسارت کاملاً جبران‌پذیر است (Diplock, 1072: 445).

این خسارت در حقوق آمریکا تحت عنوان خسارت وابسته به لذت (hedonic damage) بحث می‌شود. برآورد خسارت وابسته به لذت برای جبران زیان وارده به زندگی، لذت‌ها و رضایت خواهان در زندگی صورت می‌گیرد. این خسارت ارزش بزرگی از زندگی، مسائل اقتصادی و روانی را در بر دارد. برخلاف خسارت مالی، این نوع زیان شامل آنالیز شخصی‌تر نسبت به درجه رضایت از زندگی و جنبه‌های شخصی در آن می‌شود (Tabacchi, 1997: 331). امروزه، این عنوان خسارت در حقوق آمریکا عنوانی پذیرفته شده است و اغلب به عنوان جزئی از خسارت به حساب می‌آید (Tabacchi, 1997: 337).

براساس نظر برخی دادگاه‌ها برای جبران و پوشش خسارت مربوط به آینده در این موارد، خواهان باید از صدمه‌ای دائمی رنج ببرد. زیان از دست دادن لذت زندگی با دوام صدمه پیوند دارد، چراکه درجه صدمه به چگونگی محرومیت خواهان از فعالیت‌های روزمره بستگی دارد (Flannery V. United states, 297 S.E.2d433, 434 (W.va.1982)).

در یک نگاه محدود، خسارت رضایت از زندگی برای زیان‌دیده صدمه بدنی برای از دست دادن چیزهایی مانند فعالیت‌های ورزشی، امور تفریحی یا فرهنگی که معمولاً آنها را تا قبل از تصادف انجام می‌داده است، در نظر گرفته می‌شود (Lacipiere, 1987: 262). در این موارد خواهان باید شواهد عادت انجام این کارها پیش از تصادف و عدم امکان انجام آن پس از تصادف را به دادگاه عرضه کند. به تدریج توسعه مفهوم این خسارت به وسیله مفاهیم رفاه اجتماعی مربوط به ناتوانی‌های دائمی شد (Ruault, 1987: 134). به خصوص در موارد معلولیت و نقص عضو دادگاه‌ها در ارزیابی این خسارت بیشتر گشاده‌دستی می‌کنند. در نهایت می‌توان گفت در حقوق فرانسه، امروزه خسارت ناشی از فقدان لذت زندگی در مشکلات کوچک‌تر نیز ارزیابی می‌شود (Jourdain, 1999: 11). در نظام حقوقی ایران اگرچه عنوان مستقلاً برای خسارت مطبوعیت در نظر نمی‌گیرند، به‌عنوان مصداقی جبران‌پذیر معرفی می‌شود (فهرستی، ۱۳۹۰: ۷۳). هدف از جبران این زیان جایگزینی خشنودی زیان‌دیده در ازای مبلغی است که بتواند مایه تسلی او باشد و بخشی از رفاه از دست‌داده را جبران کند (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۵۶). بنابراین در حال حاضر عناصر خسارت‌های معنوی ناشی از صدمات بدنی از جمله خسارت مطبوعیت در حقوق ما امری پذیرفته‌شده است و ضرورت توجه به محدودیت‌هایی که به لحاظ اجتماعی و انجام فعالیت‌های مفید و مورد علاقه زیان‌دیده پیش آمده، بر کسی پوشیده نیست (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

شایان ذکر است مبلغ مناسبی که برای این خسارت تعیین می‌شود، نباید تحت تأثیر موقعیت اجتماعی و اقتصادی زیان‌دیده قرار بگیرد؛ چراکه روح و روان شخص فقیر با فرد ثروتمند تفاوت ندارد، بلکه میزان لذت بردن ایشان مطرح است که خود دارایی محسوب می‌شود. البته پیش‌بینی طول عمر برای خسارت مالی ممکن است تحت تأثیر میزان درآمد قرار بگیرد که موضوعی متفاوت خواهد بود (Winston, 1998: 811). همچنین جبران این خسارت به دلیل دشواری‌های اثبات و نبود استانداردهای اندازه‌گیری، موضوعی پیچیده است. به نظر می‌رسد اگرچه معیارهای نوعی حتماً مورد بررسی قضات است، لیکن نقش معیارهای شخصی در هر مورد انکارناپذیر و حتی بیشتر از سایر موارد است. همچنین ممکن است با اینکه خواهان دچار صدمه بدنی شده، دچار خسارت کاهش عمر شود، برای مثال دستش قطع شده باشد، ولی چنین خسارتی در کوتاه شدن عمر مؤثر نیست (Kessler, 1985: 284). در ضمن در

ارزیابی این زیان توجه به طول مدتی که در آینده خواهان دچار مسئله است، ضروری خواهد بود (Mnkman, 1973: 127).

در آرای موجود در کشور ما در خصوص جبران خسارات معنوی در موضوعی موسوم به هموفیلی‌ها در این باره اظهار نظر شده است. شعبه ۲۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید بهشتی در این باره جبران خسارات معنوی را به بررسی شاخص‌هایی مانند سن، تحصیلات، وضعیت تأهل و دارا بودن فرزند منوط می‌کند (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۵)، در حالی که شعبه ۱ دادگاه مذکور به دلیل یکسان پنداشتن انسان‌ها و متفاوت نبودن درد و ناراحتی آنها به لحاظ ویژگی‌های شخصی، این امور را مدنظر قرار نمی‌دهد. اما حقیقت این است که انسان‌ها متفاوت‌اند و به همین دلیل اندازه‌اندوه و تألمشان در برخورد با عوامل زیان معنوی یکسان نیست و عدالت به معنای تساوی در همه چیز نیست (میرشکاری، ۱۳۹۲: ۵۳).

۳. گرایش‌های مطرح در ارزیابی خسارت مطبوعیت یا از دست دادن لذات زندگی

چنانکه از مطالعات برمی‌آید فقها درباره ضرورت جبران کامل انواع ضرر اختلاف نظر دارند. مشهور فقها بر آن‌اند که تنها بعضی زیان‌ها جبران‌پذیرند و سایر خسارات با اینکه عرف آنها را خسارت تلقی می‌کند، جبران‌پذیر نخواهند بود. در حقیقت ایشان جبران خسارت را تابع یک سری ملاحظات از سوی شارع یا قانونگذار می‌دانند (خادم، ۱۳۹۲: ۲۳ و ۲۴). یکی از میدان‌های نزاع در این باره بحث خسارات مازاد بر دیه است. برخی فقها اعتقاد دارند تمام آنچه باید در خسارت بدنی و توسط دیه جبران شود، در همین سازوکار آمده است، از این‌رو حکم به جبران مازاد بر آن محتملی ندارد (صادق، ۱۳۹۲: ۵۲). در مقابل موافقان اصل جبران کامل کلیه خسارات با استناد به منابع موجود این اصل را می‌پذیرند و راه را برای جبران سایر خسارت‌ها باز می‌کنند. ایشان با استناد به حکم عقل و بنای عقلا و قاعده لاضرر و قاعده احترام به مال مسلم و روایاتی چون «کل شی یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه»، مفهوم ضرر را عرفی دانسته و حکم به لزوم جبران کلیه ضررها را استنتاج کرده‌اند (خادم، ۱۳۹۲: ۲۷ و ۳۰). به عبارت بهتر ضرر عبارت است از فوت آنچه انسان آن را داراست، اعم از اینکه نفس باشد یا عرض یا مال یا جوارح. بنابراین چنانچه مال کسی یا عضوی از اعضای او به جهت اتلاف یا تلف ناقص شود یا شخصی بمیرد یا به عرض او لطمه وارد شود، می‌گویند بر او ضرر وارد شده است (ستوده خراسانی، ۱۳۹۴: ۲۵). با این مبنا ضرورت جبران زیان‌هایی همچون خسارت مطبوعیت نیز اثبات می‌شود. برای مثال شیخ طوسی در خصوص کسی که در اثر جنایت دچار اختلالی مثل ترس شده، به نحوی که بدون علت بترسد، حکم به پرداخت ارش توسط جانی

داده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). مثال دیگر ضرورت جبران ناتوانی جنسی در مردان و زنان است که قانونگذار نیز حکم به تعیین ارزش در این موارد داده است (خامسی‌پور، ۱۳۹۲: ۸۹). به نظر می‌رسد با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان مبنای قانونی و حقوقی ضرورت ارزیابی را از میان قواعد فقهی و حقوقی یافت و مشکل اساسی پس از آن نحوه ارزیابی خواهد بود.

در ارزیابی این خسارت در حقوق کامن‌لا یک گرایش آن است که ببینیم هر کس چقدر حاضر است بپردازد تا از زیان جلوگیری کند و این مسئله‌ای کاملاً پیچیده است؛ اولاً، به سبب آنکه بسیاری از زیان‌دیدگان به لحاظ مالی در حد متوسط قرار دارند و حتی اگر بخواهند برای اجتناب از خطر پولی بپردازند شاید با توجه به دارایی و پس‌اندازشان ناچیز باشد و این امر موجب ابهام می‌شود که آیا کسانی که پولدارترند باید بیشتر خسارت بگیرند که چنین چیزی کاملاً ناعادلانه است. اما در خصوص خسارت معنوی و از جمله خسارت مطبوعیت وضع به گونه دیگری است. در حقیقت، اندازه‌ای که اشخاص با درآمد کمتر به بدنشان احتیاج دارند (برای کار، لذت و ...)، شاید آنها که درآمد بیشتری دارند، نداشته باشند یا دست‌کم برای هر دو ارزش برابر برای جنبه‌های معنوی وجود داشته باشد. یا مثلاً ممکن است افرادی با درآمد کمتر بیشتر از زندگی لذت می‌برده‌اند یا فعالیت‌های متعدد داشته‌اند که افراد با درآمد بیشتر این‌گونه نبوده‌اند؛ از این رو امکان پرداخت پول بیشتر توسط ثروتمندان نباید وسیله‌ای برای بیشتر شدن میزان خسارت برای ایشان باشد (Sugarman, 2013: 211).

گرایش دیگر آن است که مبلغ قابل پرداخت برای متوسط جامعه ملاک قرار گیرد. این راه‌حل اگرچه شخصی نیست، ما را به سمت دشواری دیگری می‌برد که آیا متوسط مردم واقعاً مایل به پرداخت آن مبلغ برای اجتناب از خطرند. آن مبلغ به آسانی کشف نمی‌شود، چراکه هیچ کارکرد تجاری واضحی برای تمایل به چنین پرداختی وجود ندارد. به علاوه، دشواری‌هایی وجود دارد که به موجب آن زیان بالقوه احتمالی است که مردم در برابر خطر آن، واکنش‌ها و مقاومت‌های متفاوت دارند. برخی ممکن است مثلاً خطر ۱ درصد را چشمگیر و برخی ناچیز بدانند (Sugarman, 2013: 215). در مورد از دست دادن شادی نیز به همین شیوه می‌توان عمل کرد؛ به این نحو که تعیین شود برای هر شخص چه میزان پول می‌تواند جایگزین شادی از دست‌رفته باشد (Ogus, 1972: 2).

ممکن است از جنبه پوشش‌دهی منفعت بیمه نسبت به خسارت بدنی که در کشورهای مختلف وجود دارد به موضوع نگریسته شود. این سیاست‌ها برای خسارت معنوی پرداخت مبلغی خاص همچون زیان اندام‌های بدن، مثل دست‌وپا یا بینایی است. شاید برآوردهای مسئولیت به منافع از دست‌رفته هم مرتبط شود. اما احتمالاً وقتی حق بیمه و کارکردش به آن اندازه خریداری نشده است، برای بسیاری دشوار خواهد بود که رقم واقعی را حدس بزنند.

بسیاری از افراد ممکن است بگویند علاقه‌ای به چنین خریدی برای تمام انواع خطر ندارند. آنها احتمالاً ترجیح می‌دهند پولشان را به‌جای آن، در بیمه سلامتی یا ناتوانی در آن زمینه هزینه کنند تا مراقبت‌های پزشکی و زیان‌های درآمدی‌شان پوشش داده شود. با این حال، وقتی توسط دیگری آسیب می‌بینند، رنجیده می‌شوند و احتمالاً تقاضای جبران مالی می‌کنند (Avraham, 2005: 941). بنابراین اگر بتوان به راحتی به معیارهای مستقیم یا غیرمستقیم تمایل زیان‌دیدگان برای پرداخت به‌منظور جلوگیری از زیان‌های خاص اعتماد کرد، در مورد زیان مطبوعیت چگونه باید ارزیابی صورت گیرد؟ شاید بتوان در مورد اینکه چقدر پول حاضرند بپردازند تا رضایت و شادی بخرند، فکر کرد. اما این هم به دلایل مشابه قابل تعیین نیست. این تنظیمات برای پوشش خسارت می‌تواند قانونگذاری شود، خواه توسط نهادهای دولتی انجام گیرد یا مثلاً همچون ایالات متحده به هیأت منصفه واگذار شود. از این رو احتمالاً ارقام این خسارت از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود (Sugarman, 2013: 217).

در ایجاد سیستمی برای برآورد خسارت مطبوعیت، بعضی قائل به استفاده از مفهوم انصاف افقی (horizontal equit) هستند. اصل انصاف افقی به آن معناست که کسانی با صدمات مشابه و شرایط برابر، باید به موجب مبلغ مشابهی برای خسارت معنوی مورد جبران قرار گیرند. برای مثال، زیان بینایی در یک چشم برای A و B درجه مشابهی از خسارت غیرمالی به هریک را ایجاد می‌کند. اما سؤال اساسی آن است که صدمات مشابه چیست؟ زیان از دست دادن پا را تصور کنید. آیا باید از دست دادن پا از زانو به بالا مشابه از دست دادن پا از زانو به پایین تصور شود؟ یا موقعیت زیان‌دیده پیش از صدمه در نظر گرفته شود. آیا باید با از دست دادن یک پا برای یک دوندۀ حرفه‌ای همچون یک انسان پشت‌میزنشین، مثل هم برخورد کرد؟ این مثال‌ها نشان می‌دهند که ایجاد انصاف افقی دشوار و در عمل بحث‌برانگیز است (Sugarman, 2013: 218).

انصاف و عدالت عمودی هم مشکلات مشابهی را ایجاد می‌کنند. وقتی این‌طور منصفانه به‌نظر می‌رسد که آنهایی که صدمات شدیدتری دیده‌اند، نسبت به کسانی که صدمه سبک‌تر داشته‌اند، پول بیشتری دریافت کنند، این مفهوم انصاف عمودی است (Vertical equit). اما مثلاً آیا نابینایی بدتر از ناشنوایی است؟ اینها مواردی است که مردم در آن متفاوت‌اند. همچنین تفاوت در تطبیق و سازگاری از جایی به جای دیگر متفاوت است و می‌تواند بر قضاوت اجتماعی تأثیر بگذارد. همچنین آگاهی مردم از ناتوانی‌های متفاوت و چگونگی ارتباط با آن می‌تواند در تصمیم‌گیری قضاوت در زمینه جدیت و اهمیت یک ناتوانی در مقایسه با ناتوانی دیگر مؤثر باشد. علاوه‌بر اینها، حتی وقتی یک نفر معتقد است صدمه X جدی‌تر از صدمه Y است، این سؤال پیش می‌آید که چقدر جدی‌تر است؟ یا اگر کاربردی‌تر ببینیم، چقدر پول بیشتر برای خسارت مطبوعیت برای X به جای Y باید فراهم شود. در بسیاری از ایالات آمریکا

در این خصوص هیأت منصفه تصمیم‌گیری می‌کند. تئوری پشتیبان چنین گرایشی آن است که هر زیان‌دیده باید براساس شخص خودش و شرایط خاصی که دارد، مورد داوری قرار گیرد. بسیاری از محققان نتیجه‌گیری می‌کنند که هر دو انصاف افقی و عمودی اغلب از طریق چنین گرایشی مورد تجاوز قرار می‌گیرد، چنانکه اعضای هیأت منصفه نگاه‌های شخصی خود را به موضوعات دارند و در هر پرونده، تحت تأثیر وکلای طرفین قرار می‌گیرند، تحت تأثیر قوانین و سایر خصوصیات طرفین هستند و ... (Bovjberg, 1989: 916). البته این سخن به معنای آن نیست که برآورد هیأت منصفه برای خسارت مطبوعیت کاملاً پیش‌بینی‌ناپذیر است، بلکه در هر مورد برای کارشناسان تا حدی امکان پیش‌بینی وجود دارد، اما باید گفت تا این مشکل حل نشود، دامنه پیش‌بینی‌ها کمی گسترده خواهد بود (Blumstain, 1991: 1548).

در بعضی سیستم‌ها انصاف افقی و عمودی به وسیله اعمال محدودیت ارتقا پیدا کرده‌اند. برای مثال، یک گرایش، تلاش قضات را بر اعطای مبلغ براساس درصد ناتوانی قربانی متمرکز کرده و قاضی را براساس نمونه‌های درصدی راهنمایی می‌کند. این استراتژی راه را برای کارشناسان پزشکی و سایر رشته‌ها هموار می‌کند تا دانش و تجربه‌شان در ارزیابی ناتوانی‌ها در تمام زمینه‌ها به کار آید. آنها تصدیق خواهند کرد که این‌گونه زیان یا این زیان‌دیده باید چیزی حدود مثلاً ۲۰ یا ۳۰ درصد ناتوان شده باشد. پس از این تعیین مقدار، پوشش مالی براساس جداول راهنما معین می‌شود. ارتباط بین درصد ناتوانی و میزان پول ارزیابی‌شده، می‌تواند از طریق قانونگذاری یا نهادهای دولتی یا نظام قضایی و نظایر اینها مشخص شود (Commande, 2005: 477). یکی از منافع مثبت این گرایش آن است که این میزان پول به درصد ناتوانی گره خورده است و می‌تواند در طول زمان تغییر کند؛ هم به سبب پاسخگویی به نیازهای ایجادشده در اثر تورم و در نظر گرفتن احتمالات اجتماعی، هم برای تعیین مبلغ درست و واقعی. به موجب این گرایش، عملکرد تصمیم‌گیری براساس اینکه کدام صدمات شدیدند و چقدر پول می‌تواند در مقابل آنها قرار گیرد، انجام می‌شود. در حقیقت، در چنین سیستمی نیاز نیست ارتباطی خطی بین درصد جداول باشد. برای مثال یک ناتوانی ۱۰۰ درصد ممکن است ۳ یا ۴ برابر از ناتوانی ۵۰ درصد بیشتر ارزیابی شود. در واقع ناتوانی در پایین‌تر از حدی خاص، نمی‌تواند مبلغی جذب کند. برای مثال، در استرالیا اگر ناتوانی کمتر از ۱۵ درصد باشد، هیچ‌کس برای خسارت معنوی در نظر گرفته نمی‌شود (Sugarman, 2005: 507).

یک راه متفاوت، در نظر گرفتن نقطه‌ای برای آغاز برآورد مالی خسارت مطبوعیت است. این امر در برخی مواردی که صدمه دائمی نیست و در سوانحی که ممکن است درد و رنج یا خسارت مطبوعیت کمتری ایجاد کنند و در آینده نیازمند جبران نباشند، مؤثر است. مثالی برای این نوع از ایالت میشیگان است که در مورد تصادفات اتومبیلی عمل می‌شود. دعاوی خسارت

معنوی تنها وقتی مجاز به طرح است که صدمه‌ای جدی سبب ایجاد ناتوانی دائمی، بدشکلی یا ناتوانی و برای مدت طولانی شده باشد (Sugarman, 1993: 364).

راه دیگر برای برقراری انصاف عمودی و ارتقای عدالت افقی، آن است که یک بدنه بیرونی به نام قانونگذاری وجود داشته باشد. گروهی کلی از تعداد زیان‌های معقول و متعارف با شرایط ویژه هر یک مشخص و مقدار مشخصی برای آن معلوم شود. در این گرایش بدنه تصمیم‌گیرنده نوع زیان و میزان غرامت آن را مشخص می‌کند. کار قاضی در چنین سیستمی آن است که تعیین کند کدام خصوصیت غالب است و چگونه باید ارزیابی شود و مبلغ مناسبی برای آن معین سازد. البته نگاه این گرایش کمتر شخصی است (Sugarman, 2013: 363). برخی سیستم‌های قانونی مبلغی را به عنوان سقف معین می‌کنند تا امکان توجه به معیارهای شخصی بیشتر فراهم شود (Sugarman, 2011: 597).

یک پیشنهاد، فرض ارتباط مبالغ غرامت درد و رنج یا شادی زندگی با هزینه‌های پزشکی، درمانی و سن زیان‌دیده است (Avraham, 2005: 958) پیشنهاد جدید آن است که تمام درد و رنج و زیان مطبوعیت در خسارت کیفیت زندگی پوشش داده شود^۱ و سپس برای هر یک مبلغی مناسب به عنوان غرامت معین گردد (Sugarman, 2013: 224-225). این گرایش‌ها می‌توانند با هم ترکیب شوند. برای مثال، گرایش ناتوانی درصدی ممکن است با گرایش محدودیت حداکثری و گرایش شخصی شدن هر موضوع توسط قاضی ترکیب شود (Sugarman, 2013: 224-225).

۴. روش‌های مختلف ارزیابی خسارت مطبوعیت یا از دست دادن لذات زندگی

امروزه بیشتر نظام‌های حقوقی اگرچه به دشواری محاسبه در این موارد اذعان دارند، در ضرورت آن تردید نمی‌کنند. در حقوق کشور ما در زمینه خسارت بدنی در بحث دیات سخن گفته شده است. دیه به شکلی مقطوع مشخص شده و رقم ارش برای عضو یا منفعت نمی‌تواند بیش از دیه آن عضو یا منفعت باشد (ماده ۵۴۸ ق م ا). برای تعیین رقم ارش که میزان آن در شرع مشخص نشده، دادگاه با لحاظ نوع و کیفیت جنایت و تأثیر آن بر سلامت مجنی‌علیه و میزان خسارت وارده و با جلب نظر کارشناس عمل می‌کند (ماده ۴۴۹ ق م ا). بنابراین در ارش با ارزیابی تا سقف مشخص مواجهیم، حال آنکه معیار یا ضابطه معینی برای انجام آن وجود ندارد و روش‌هایی مثل نسبت‌سنجی حالت سلامتی و عدم سلامتی، عبدانگاری، نظر دو نفر عادل، صلح و تراضی، نظر امام، مقایسه با نزدیک‌ترین جنایت دارای دیه معین، پیشنهاد شده (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۴: ۵۵ و ۵۷) که علاوه بر انتقادهای وارد بر هر یک، ضابطه‌ای مشخص و پیمانه‌ای

1. Qalys- Quality adjusted life years

دقیق برای ارزیابی زیان به دست نمی‌دهد. بنابراین اگر در مواردی هم خسارت مطبوعیت به رسمیت شناخته شود و در نظام حقوقی ما بخواهد برای آن ارزش یا رقمی به‌عنوان خسارت در نظر گرفته شود، باز هم نیاز به ارائه روش است که می‌توان از مطالعه سایر نظام‌ها آن را به دست آورد. اگرچه ورود قانونگذار در تبیین ابعاد جبران این چنین زیان‌هایی ضروری است، اما تا پیش از آن قضاوت می‌توانند از مفاهیم و روش‌های موجود در سایر نظام‌ها تا حدی که قابلیت اجرا در کشور ما را دارد استفاده کنند، چنانکه در پرونده هموفیلی‌ها صدور رأی در قالب دیه و ارزش صورت گرفت.

از راه‌های ساده‌تر ارزیابی این موارد دسته‌بندی صدمات و مشخص کردن نرخ خسارت برای هر کدام است. پیشنهادی که برای این دسته‌بندی در خسارت مطبوعیت ارائه شده دسته‌بندی براساس احساس شادی گذشته و آینده است؛ به این معنی که ناتوانی جسمی صرف مبنا نباشد، بلکه احساس شادی و لذت همراه با آن نیز در طبقه‌بندی مورد توجه باشد و معیار ارزیابی قرار گیرد. معیار دیگری که برای محاسبه این خسارت‌ها بیان شده است، توجه به این نکته است که در مورد هر صدمه چه میزان از پول می‌تواند موجب تسلی خاطر زیان‌دیده شود. در واقع در گزینه اول تمرکز بر آسیب بدنی، در مورد دوم تمرکز روی احساس شادی از دست‌رفته و در پیشنهاد سوم تمرکز بر رقمی است که رضایت زیان‌دیده را به همراه خواهد داشت (Sugarman, 2013: 203).

در اولین قدم روش پیشنهادی باید صدمات براساس خصوصیاتشان طبقه‌بندی شوند؛ برای مثال صدمه وارد به انگشت کوچک در گروه بی‌اهمیت‌ترین صدمات جای می‌گیرد، چراکه چنین صدمه‌ای تأثیر خاص یا بلندمدتی بر احساسات فرد ندارد، ضمن اینکه بر فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال او نیز بر فرض اثرگذاری قابل اغماض است. قرار دادن هر آسیب در طبقه مناسب تصمیمی اساسی است که در محاسبه زیان‌های درد و رنج، فعالیت‌های اجتماعی، لذات زندگی، وضعیت خواب و تفریح فرد و ... اثرگذار خواهد بود. در تهیه این طبقه‌بندی از اظهارات کارشناسان که نتایج اساسی محتمل هر صدمه را مشخص می‌کنند، استفاده می‌شود. اطلاعاتی که کارشناسان ارائه می‌دهند، مثلاً از این قبیل است که آیا با درجه خاصی از آسیب، زیان‌دیده همچنان امکان رانندگی دارد یا می‌تواند به شغل ثابتش ادامه دهد یا احتمالاً چه مدت درگیر درد و رنج ناشی از آن خواهد بود و درجه سازگاری زیان‌دیدگان با وضعیت پیش‌آمده و ... چنین طبقه‌بندی مزایایی دارد: اول اینکه براساس مطالعه‌ای تطبیقی نگاهی نسبتاً جامع که با توجه به مقایسه آمار در موارد مشابه به وجود آمده ارائه می‌دهد. دوم اینکه چون این طبقه‌بندی براساس نظرهای کارشناسی تهیه شده در زمان رسیدگی صرفه‌جویی می‌شود و قاضی در مراجعه به این جداول از کسب نظر کارشناس در خیلی موارد معاف می‌شود. تعیین ارقام مشابه

برای صدمات همسان و نزدیک شدن آرا به هم در موارد همانند از دیگر مزیت‌های این روش است (Sustain, 1994: 1153)، اگرچه تهیه چنین جداولی مستلزم توجه به جزئیات فراوانی است، لیکن امری ممکن است و با توجه به مزیت‌هایی که برایش وجود دارد، به‌صرفه خواهد بود. برای مثال در اوایل دهه ۱۹۹۰ ایالت ارگان^۱ برای تخصیص بهتر منابع مالی برای درمان صدمات چنین فهرستی تهیه کرد. به موجب این فهرست مشخص می‌شد که کدام یک از صدمات نیازمندی بیشتری به مداوا دارند و تخصیص منابع به‌منظور دست یافتن به بیشترین بازدهی چگونه باید باشد (Ubel, 2000: 1073).

گام بعد قرار دادن مبلغی به‌عنوان حداکثر غرامت برای هر گروه از صدمات بود. وظیفه این کار به عهده نهادهای قانونگذاری است که امکان مطالعه چندبعدی این موضوع و مقایسه تطبیقی و در نهایت تعیین مناسب‌ترین رقم را دارند. در بسیاری ایالات آمریکا چنین ارقامی در موارد مشابه تعیین شده‌اند (Viscusi, 1988: 42). به‌عنوان راه‌حل جایگزین ممکن است برای هر طبقه طیفی از خسارت که بیانگر حداقل و حداکثر خسارت است، معین شود یا اینکه برای شدیدترین صدمه حداکثری مشخص شده و میزان غرامت سایر صدمات معادل درصد متناسبی از آن حداکثر تعیین شود (Ubel, 2000: 211). در گام سوم این وظیفه قاضی یا هیأت منصفه است که در هر پرونده صدمه وارده به خواهان را در دسته مناسب قرار دهند و رد و رنج ناشی از آن را با توجه به شرایط خواهان در هر مورد معین کنند. ایشان در این امر با دقت نظر می‌توانند در ایجاد عدالت افقی تأثیرگذار باشند (Sustain, 1994: 1211).

به هر حال ظاهراً بهترین راه‌حل برای تسهیل ارزیابی تهیه جداول راهنماست که در هر مورد قاضی یا هیأت منصفه با مراجعه به آن و با توجه به ویژگی‌های شخصی هر پرونده رأی مناسب صادر کند. نکته‌ای که در ارزیابی این نوع زیان اهمیت دارد، توجه به این نکته است که میزان خسارت وارده در این مورد به‌جای مبتنی بودن بر شدت صدمه بر نتایج آن مبتنی است (Ogus, 1972: 11). در مورد نحوه ارزیابی نهایی و تعیین رقم پرداختی به خواهان نظر برخی دادگاه‌ها این است که زیان مربوط به هر یک جداگانه محاسبه شده و مشخص باشد که هر زیان چه غرامتی در بر داشته است. بعضی دیگر بر این نظرند که محاسبه و تعیین جدلاً ضرورت ندارد و دادگاه مبلغی واحد برای جبران همه خسارت‌های غیرمالی معین کند (Posner, 2003: 55).

یکی از راه‌های غالب استفاده از سیستم ضربی است که به موجب یک واحد زمان مثلاً روز یا هفته یا سال برای مدتی که در آینده ادامه می‌یابد و در مبلغی که به‌عنوان غرامت براساس زیان مربوطه توسط قاضی و عموماً از روی جداول نمونه ضرب می‌شود و مبلغ کلی

1. Oregon

به دست می‌آید. برای مثال برای خواهانی که دچار فلج اندام شده و از پیاده‌روی شبانه اطراف منزلش محروم گشته است، اگر طول عمری معادل ۳۰ سال در نظر گرفته شود و برای هر روز ۵ \$ خسارت مطبوعیت تخمین زده شود مبلغی معادل (روزانه ۵ \$ × ۳۶۵) به دست می‌آید. همین روش برای سایر فعالیت‌های مورد علاقه و رضایت‌بخش خواهان انجام می‌شود و مجموع آن به عنوان خسارت لذات زندگی یا مطبوعیت لحاظ خواهد شد (Posner, 2003: 58).

روش دیگر همان روش تمایل به پرداخت است که پیشتر هم توضیح داده شد. راه حل دیگری برای ارزیابی به خصوص زیان مطبوعیت پیشنهاد شده است. طراحان این نظریه معتقد به این نظرند که پاسخ به برخی پرسش‌هایی مانند اینکه مثلاً چه میزان پول می‌تواند شادی شما را که در اثر صدمه از بین رفته جبران کند یا تسلی‌بخش شما باشد، می‌تواند راهگشا باشد. در این روش رابطه بین درآمد و هر اتفاقی در زندگی مثلاً محرومیت از یک فعالیت بررسی می‌شود. به موجب این تئوری باید بررسی شود افزایش چه میزان پول به درآمد زیان‌دیده می‌تواند شادی معادل آنچه از دست داده بدهد. محاسبه نسبت بین این دو، نرخ مناسبی از میزان پولی که رضایت زیان‌دیده را با توجه به رنجی که کشیده به دست می‌دهد. در واقع موضوع اصلی این نظریه میزان شادی به دست آمده در قبال افزایش مشخصی بر میزان درآمد است. البته سطح زندگی و رفاه جامعه بر این احساس شادی بی‌تأثیر نیست (Oswald, 2008:2).

فرض کنیم سودمندی یا شادی یک شخص تحت تأثیر مرگ کسی که برایش عزیز بوده قرار بگیرد؛ سودمندی یک انسان تابع فزاینده درآمد دریافتی اوست، y ، به اضافه هرگونه درآمد بدون رنج، i . برخی از رفتارهای انتخابی وجود دارد که توسط فرد به منظور بهینه‌سازی انجام می‌گیرد، a ، و هزینه اقدام، c ، است که $c=c(a)$ تابع مستقیم سودمندی یا شادی و مشکل به حداکثر رساندن به شکل قابل تفکیک، $D = \max u = u(a, y + i) - c(a) - D$ ، نوشته شود و تابع غیرمستقیم به این ترتیب $v = v(y + i) - D = \max u$ ، در نظر گرفته می‌شود (Oswald, 2008: 1-42). یادآوری می‌شود که در هر صورت شناسایی و ارزیابی زیان دشوار و با وجود تلاش‌های بسیار مبتنی بر حدسیات به خصوص برای آینده، خواهد بود. به همین دلیل بیشتر نظام‌های حقوقی اگرچه به دنبال جبران این خسارت هستند، با آزاد گذاشتن دادگاه‌ها در تعیین ارقام هنگفت مخالف‌اند؛ چراکه چنین اقدامی خواندگان و بیمه‌گران آنها را در وضعیتی دشوار و پیش‌بینی‌ناپذیر قرار می‌دهد. بنابراین ارائه جداولی حاوی حداکثر میزان غرامت همچنان می‌تواند راه حل مناسبی باشد (Jolowicz, 1963: 202).

۵. نتیجه‌گیری

خسارت مطبوعیت یا از دست دادن لذات زندگی از مهم‌ترین عناصر معنوی زیان‌های بدنی است که با وجود دشواری ارزیابی آن به معادل مالی در بسیاری نظام‌های حقوقی در ضرورت جبران آن با هدف تسلی زیان‌دیده و ایجاد رضایت نسبی در او تردید نمی‌کنند. در حاشیه این عنوان مهم خسارت بحث چگونگی ارزیابی شاید دشوارترین و در عین حال کاربردی‌ترین زمینه برای مطالعه باشد؛ چراکه به نظر می‌رسد امروزه آمادگی نسبی برای پذیرش ضرورت و جبران این نوع زیان‌ها وجود دارد، ولی به دلیل نبود پیمان‌های دقیق برای اندازه‌گیری، آن‌طور که باید مورد اقبال قرار نگرفته است. به هر حال برای محاسبه زیان ناشی از فقدان مطبوعیت یا لذات زندگی گرایش‌ها و روش‌های متفاوتی مطرح می‌شود که تفصیل آنها در متن ذکر شد. به‌عنوان نتیجه‌ای که از مباحث مطروحه گرفته می‌شود، می‌توان گفت در ارزیابی زیان مطبوعیت بیش از آنکه موقعیت اجتماعی و درآمد فرد اثر داشته باشد، کیفیت زندگی او مؤثر است. چنانکه اگر شخصی با درآمد پایین و سطح زندگی معمولی پیش از صدمه زندگی شادتری نسبت به دیگری با موقعیت بالاتر داشته باشد و هر دو دچار صدمه واحدی شوند، میزان خسارت از دست دادن مطبوعیت برای او بیشتر از فرد با درآمد بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت ویژگی‌های شخصی زیان‌دیده و نحوه زندگی او پیش از صدمه در این زیان و ارزیابی آن بیش از سایر خسارت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

در مورد شیوه ارزیابی می‌توان پیشنهاد داد میزان شادی ایجادشده در ازای پرداخت مبلغ مشخصی پول برای خواهان خاص محاسبه شده و در مقابل صدمه و زیان ناشی از آن واحد مالی تأمین‌کننده آن میزان شادی به پول برای زیان‌دیده در نظر گرفته شود. همچنین تهیه جداول راهنما و طبقه‌بندی زیان‌ها با توجه به صدمات خفیف تا شدید بیشتر به‌کار می‌رود، البته اگر دست قاضی در اثربخشی به شرایط و ویژگی‌های خواهان باز باشد، روش مناسبی است. شایان توجه است که در نظر گرفتن سقف پرداخت برای صدمات و البته با توجه به نرخ تورم و مسائل مرتبط در اجتناب از ارزیابی بیش‌ازحد خسارت و تعیین ارقام هنگفت مؤثر خواهد بود.

در نظام حقوقی ایران مسئله از دست دادن مطبوعیت مطرح نشده و آنچه از آن صحبت می‌شود، زیرمجموعه مباحث خسارات معنوی آورده می‌شود. ضمن پیشنهاد برای ورود قانونگذار در زمینه مذکور و مشخص کردن دقیق معیارها و روش‌های ارزیابی، به نظر می‌رسد تا پیش از ورود قانونگذار و تبیین دقیق موضوع دادگاه‌های ما می‌توانند با استفاده از روش‌های مطرح در متن پیمان‌های برای اندازه‌گیری این خسارت‌ها داشته باشند.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. اصغری آفشه‌دی، فخرالدین (۱۳۸۲). «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ش ۹ و ۱۰، ص ۴۸-۳۱.
۲. بابایی، ایرج (۱۳۸۹). «جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، ش ۲۸، ص ۳۰-۱.
۳. خادم سربخش، مهدی؛ سلطانی‌نژاد، هدایت‌الله (۱۳۹۲). «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، ش ۱۲، ص ۴۸-۲۱.
۴. خامسی پور، فرسیما؛ قدوسی، آرش؛ میرحسینی، سید مجید؛ نیک‌دوستی، مجتبی (۱۳۹۲). «مبانی طبی، حقوقی و فقهی تعیین ارش ناتوانی جنسی در زنان آسیب نخاعی»، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۲۷، ص ۸۹-۱۱۲.
۵. ستوده خراسانی، حمید (۱۳۹۴). «آسیب به سلامت روانی و مسئله تعیین ارش»، مجله پردازش فقهی حقوقی، ش ۳، ص ۳۷-۲۱.
۶. صادقی، محمدهادی (۱۳۹۲). «موارد امکان جبران خسارت مازاد بر دیه و قصاص»، مجله حقوق اسلامی، ش ۳۶، ص ۶۴-۳۷.
۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
۸. عباسلو، بختیار (۱۳۹۰). مسئولیت مدنی با تکرش تطبیقی، تهران: میزان.
۹. فصیحی‌زاده، علی‌رضا؛ سعیدی، سمیه (۱۳۹۵). «تحلیل انتقادی جایگاه دیه براساس ترتیب عقلانی روش‌های جبران خسارت»، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۵، ص ۲۴۶-۲۲۵.
۱۰. فهرستی، زهرا؛ فصیح رادمندی، منصوره (۱۳۹۰). «جبران خسارت معنوی ناشی از خسارات مازاد بر دیه»، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، ش ۲۴، ص ۷۶-۵۱.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱ انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. کاظمی، محسن؛ روشن، محمد؛ روزبهانی، شجاع (۱۳۹۳). «مسئولیت مدنی ایراد خسارت معنوی ناشی از بیماری‌های ایدز و هیپاتیت در اثر انتقال خون‌های آلوده، با نگاهی به پرونده هموفیلی‌ها»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال هشتم، ش ۳۰، ص ۱۸۲-۱۴۷.
۱۳. میرشکاری، عباس؛ فرازمنند، زینب؛ علی‌اکبر نیشابوری، زهرا (۱۳۹۲). «در تأمل یک رأی در زمینه مسئولیت مدنی ناشی از انتقال خون‌های آلوده»، فصلنامه اندیشمندان حقوق، ش ۳، ص ۶۲-۴۷.

ب) خارجی

14. Avraham , Ronen ,(2005). "Should pain and suffering damages be abolished from Tort Law ,More experimental evidence", *university of Tononto law journal* ,Vol. 55, pp941-979.
15. Blumstein, Bovbjerg and sloan (1991). "Beyond Tort Reform , Developing Better Tools for assessing damages for personal injury" , *Yale journal of regulation* , Vol.8,pp 171-212.
16. Bovbjerg, Sloan and Blumstein, (1989). "Valuing life and limb in tort :scheduling pain and suffering", *Northwestern, university law review* ,Vol. 83,No.4, pp 916-961
17. Bronsteen, John, Buccafusco, Christopher, Masur, Jonathan,S., (2008). "Hedonic adaptation and the settlement of civil lawsuits",*Columbia law review* , Vol. 108, No. 6,pp1516-1550, seen at:<http://www.Jsor.org/stable/40041791>,accessed at 15/05/2018
18. Commande, Giovanni, (2005). "Towards a Global Model for adjudicating ersonal injury damages" , *Bridging Europe and comparative law journal* , Vol. 19,No.2, pp 241-349.
19. Diplock ,Lord.j., (1972). "The Modern Law review " , Vol. 35, No,1, pp 449-477.
20. Dorey,Diana,l., Rentiers , Brent,L., 2014, "The calculation of damages for Bodily injury claims", Dolden allace folick LLP, pp 2-28,available at: <http://www.dolden.com>
21. Jolowicz,J.A.,Damages (1963). "Personal injury ,Assessment", *The Cambridge law journal* , Vol.21, No.2, pp 198-201. .seen. At:<http://www.Jstore.org/stable/4504876>,

- accessed at 15/05/2018
22. Jourdain, P. (1999). *Préjudice d'agrément reconnu par la hamber sociale comme la privation des agréments d'une vie normale*, Paris, Gaz, pal
 23. Karns, Jack, E., (1990). "Economics, Ethics, and tort remedies: The emerging concept of hedonic value", *Journal of business ethics*, Vol. 9, No. 9, pp 1519-1556, seen at: <http://www.Jstor.org/stable/25072089> accessed at 15/05/2018
 24. Kessler, H., (1984). "General principles of evaluating disability", vol.19, pp281-310
 25. Lacipiere, F., (1980). *Préjudice d'agrément et dissolution de l'incapacité permanente*, Argus
 26. Munkman, John, (1973). *Damages for personal injuries and death*, London, Butter worths, fifth edition.
 27. Ogus, A.I., (1972). "Damages for lost Amenities: for a foot, a feeling or a function?", *The modern law review*, Vol.35, No.1, pp1-17, seen at: <http://www.Jstor.org/stable/1094069> accessed at 15/05.2018
 28. Oswald, Andrew, J., Powdthavee, Nattavudh, (2008). "Death, Happiness and the calculation of compensatory Damages", *The Journal of legal studies*, vol.37, No.s2, legal implications of the new research on happiness, pp1-42, seen at: <http://www.Jstor.org/stable/10.1086/595674>
 29. Poser, Susan (2003). Bornstein, Brian, H., McGorothy, Kiernan, A., "Measuring damages for lost enjoyment of life: The view from the Bench and the Behaviour", Vol. 27, No.1, *Psychology in civil litigation*, pp53-68, seen at: <http://www.Jstor.org/stable/1394500>, ccessed at 15/05/2018
 30. Ruault, M., Dangibaud, (1987). M., *Les desagrément du préjudice d'agrément*.
 31. Sugaman, Stephen, D., (2011). "Compensation for accidental personal injury: what nations might learn from each other", *pepperdine law review*, vol 38, No.2, pp597-622.
 32. Sugarman, Stephen, D., (1993). "Pay at the pump, Auto insurance", *Journal of policy analysis and management*, vol.13, No.2, pp 363-368, seen at: <http://www.jstor.org/stable/3325018>.
 33. Sugarman, Stephen, D., (1998). Quebec's comprehensive auto no-fault scheme and the failure of any of the united states to follow, *les cahiers du droit*, les cahiers de droit, vol.39, special issue, pp303-333, seen at: <http://www.researchgate.net/publication/241796782>
 34. Sugarman, Stephen, D., (2013). *Tort damages for non- economic losses, in case of physical injury to the person, comparative Tort law, Research handbook in comparative law*, pp201-255, seen at: <http://www.law.bekeley.edu>.
 35. Sugarman, Stephen, D., (2005). "Tort Reform Through damages Law Reform; An American perspective", *The ydney law review*, Vol. 27, pp 507-524, seen at: <http://www.law.bekeley.edu>.
 36. Sunstein, Cass, R., Kahneman, David, Ritov, Ilana, "Predictably incoherent judgments", *Stanford law review*, Vol. 54, pp1153-1215.
 37. Tabacchi, Tina, M., 1997, "Hedonic damages :A new Trend in compensation", *ohio satate law journal*, Vol. 52, Issu1, pp 331-349.
 38. Tilbury, Micheal, (2001). "Damages for personal injyries :A statement of the modern Australian Law", *western Australian law review*, pp 260-284.
 39. Ubel, Peter, A., (2000). "Pricing life: Why it, s time for health care rationing", Cambridge, Mass: MIT press, No.29, 1073-1074
 40. Viscusi, W. kip, (1988), Born, Patricia, H., "Damages caps, Insurability and the performance of medical malpractice insurance", *Journal of Risk and insurance*, Vol.72, pp23-43, seen at: <http://www.jstor.org/stable/3519889>.
 41. Winston smith, Hubert (1950). "Psychic interest in continuation of one's own life: Legal Recognition and protection , spectrum of personality interests legally protectable in tort Actions for personal injury", *university of pensylvania law review*, Vol.98, No.6, pp 781-825.